

## شرح فساد از جنبه سیاسی و اقتصادی در ایران

سیدمحمد قربانی دازمیری<sup>۱</sup>، سیداحمد قربانی دازمیری<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی پیوسته علوم قضایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

۲- فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی مطالعات منطقه ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

### چکیده

امروزه مسئله فساد اقتصادی در جهان، به یکی از مهم ترین دغدغه های گروه ها و نهادهای اجتماعی و همچنین دولت ها تبدیل شده است. گسترش این پدیده در بیشتر کشورها، جنبه ساختاری و نهادی پیدا کرده است. فساد در طی دو دهه اخیر رشد چشم گیری در ایران داشت است. فساد یک مشکل جدی در ایران است، که غالباً در سیستم حکومت گسترده و دامنه دار است. از دیدگاه سازمان شفافیت بین الملل، جمهوری اسلامی ایران از نظر فساد داخلی در زمره یکی از فاسدترین کشورهای جهان قرار دارد. برآوردهای سازمان شفافیت بین الملل بسیار سهل گیرانه و خوشبینانه بوده است و فساد اقتصادی در ایران، بسیار بیش از آن چیزی است که آن سازمان اعلام کرده بود. فساد در دوران جمهوری اسلامی ابعاد بی سابقه پیدا کرده و اخلاق اجتماعی به طور وسیع ضربه خورده و موجب شده بی عدالتی و فقر افزایش یابد. این فساد به همراه اجحافات و زورگویی اداری و نبود راستگویی موجب تباهی منافع عمومی شده است. دولت ها از تمامی طیف های سیاسی و در هر کشوری با هر سطحی از ثروت تحت تأثیر رسوایی های فساد قرار می گیرند که به نظر می رسد فراوانی و شدت آن همواره رو به افزایش است. فساد پیامد خطای اخلاقی یا عقب ماندگی فرهنگی نیست؛ بلکه می توان علت ریشه ای فساد را اختلاط قدرت سیاسی و اقتصادی یافت. فساد افزایش یابنده معادل عقب ماندگی و عدم توسعه یافتگی نظام های سیاسی و اقتصادی است که بستر مناسبی را برای بهره برداری یا تخصیص لجام گسیخته منابع عمومی بنا به ملاحظات شخصی و یا اهداف ویژه عمومی فراهم می کند. هدف پژوهش حاضر این است تا از رویکرد اقتصاد سیاسی، عوامل شکل گیری فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران را تبیین و تحلیل کند.

**واژگان کلیدی:** حکومت، دولت، فساد اقتصادی، فساد سیاسی، فساد اداری.

## مقدمه

قدمت فساد به ابتدایی‌ترین دوران شکل‌گیری قدرت می‌رسد و از بدو پیدایش قدرت‌های حاکم بر جوامع انسانی، فساد عامل اصلی تغییرات و جابجایی قدرت و دلیل انحطاط رژیم‌های نالایق و جایگزینی آن‌ها با حکومت‌های جدید بوده است. از همان دوران و در طول تاریخ همواره ارتباط معکوسی بین استفاده صحیح از قدرت و قلمرو گسترش فساد وجود داشته و هر زمان که از سوءاستفاده از قدرت کاسته شده، فساد نیز کاهش یافته است. گرچه فساد سیاسی و اقتصادی به ویژگی‌های معینی از نظام سیاسی، اداری و اجرایی مربوط است؛ اما حضور آن به نوبه خود دارای پیامدهایی است که موجب ایجاد تغییرات اساسی در نظام می‌گردد. این تغییرات به گونه‌ای صورت می‌گیرد که طی آن بر اهمیت پول در عرصه سیاست افزوده شده و به همان نسبت امکان نظارت موثر بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی و اداری جامعه کاهش می‌یابد. همچنین با نقض اصول بنیادی شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها برابری همگان در برابر قانون، مشروعیت و حمایت عمومی را از نظام سیاسی سلب می‌نماید و جلب آرای مردم به کمک پول و یا به سکوت واداشتن افراد از طریق ارضای منافع فردی آن‌ها پیش می‌آورد. بررسی تاریخ گذشته کشورمان حاکی از آن است که همواره کسانی که زور و قدرت را به دست آورده‌اند؛ در مرحله بعد به ثروت‌های بادآورده‌ای دست یافته‌اند [۱]. به طوری که قدرت در کشور ما راهی برای رسیدن به ثروت و رفاه انسانی بود و هیچ ثروتمند یا صاحب سرمایه‌ای نمی‌توانست بدون نزدیکی به قدرت، ثروتی کسب کند یا ثروت خود را حفظ نماید. امروزه با پیچیده‌تر شدن دستگاه حکومتی و اداری دولت‌ها که وظایف جدید نظارت و مدیریت را نیز بر عهده گرفته‌اند؛ عرصه‌های بروز فساد وسعت یافته و سوءاستفاده از قدرت همچنان به عنوان بارزترین شکل فساد پا برجا مانده است. به همین منظور می‌توان گفت فساد مسأله‌ای فرا سیستمی است: فساد در ذات تمامی سیستم‌های اجتماعی، فئودالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم و سوسیالیسم وجود دارد و تمامی طبقات جامعه؛ تمامی سازمان‌های دولتی، پادشاهی‌ها و جمهوری‌ها، تمامی وضعیت‌ها چه در جنگ چه در صلح، تمامی گروه‌های سنی، مذکر و مؤنث و همه زمان‌ها از باستان و قرون وسطی تا معاصر و حال را تحت تأثیر قرار داده و می‌دهد. به طور کلی هر جا که قدرت و ثروت متمرکز شود و هر جا دولتی وجود دارد، فساد نیز وجود دارد. در واقع فساد باعث می‌شود مردم با سوءظن نسبت به ساختار بنگرند و بی‌اعتمادی به مشروعیت هر نظام سیاسی خدشه و آسیب وارد می‌سازد و با متزلزل ساختن حاکمیت قانون، نه تنها هزینه‌هایی برای کشور ایجاد می‌کند بلکه تأثیر بسیار منفی بر روند توسعه سیاسی و اقتصادی دارد. برخی صاحب‌نظران معتقدند تا زمانی که با فساد سیاسی مقابله نشود، امکان مقابله با فساد اقتصادی وجود نخواهد داشت به طور کلی آن‌ها ریشه‌های شکل‌گیری و گسترش فساد اقتصادی را در فساد سیاسی می‌بینند. نظر به اهمیت پرداختن به مقوله فساد سیاسی به عنوان زمینه ایجاد گونه‌های دیگر فساد، باید یادآور شد دسترسی به قدرت و عناصر آن بن‌مایه مهم فساد سیاسی است؛ به این معنی که فساد سیاسی زائیده سوءاستفاده برخی دارندگان قدرت و جریان‌های متصل به آن است که نه تنها خود را حق می‌دانند بلکه میل به پاسخگویی نیز ندارند [۲]. علت یابی دلایل ایجاد فساد در کشور را می‌توان در منابع و زمینه‌های مختلف دید، با این حال مهمترین آن‌ها وجود رانت‌های مختلف، دستگاه عریض و طویل اجرایی، مشکلات ساختاری و نظارتی ناکارآمد و بروکراسی دید. بخشی از این مشکلات با تمایل برخی از دولت‌ها برای عدم تلاش برای حذف یا حتی مهار فساد قابل توضیح است. به احتمال زیاد این مشکل در نهادهای ضعیفی است که در آن سیاست‌گذاران خود رغبت عملی چندانی ندارند. فساد یک مسئله و چالش بزرگ جهانی است که افزایش آن، مانعی جدی بر سر راه توسعه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی تلقی می‌گردد. در چند دهه اخیر جامعه بین‌المللی با آگاهی از اثرات زیان‌آور فساد یک همگرایی برای بررسی علل فساد و کاهش اثرات آن در سطح سازمانی، ملی و بین‌المللی ایجاد نمود که منجر به یک جنبش ضد فساد جهانی شد. مبارزه با فساد امروزه در بسیاری از کشورهای مختلف جهان به عنوان یک مسئله اساسی مورد نظر است. کنترل فساد سیاسی و اقتصادی علاوه بر این که نیازمند فعالیت بلند مدت و مداوم است، در گرو کسب درکی جامع

از علل بروز این معضل می باشد. شناخت، مهم ترین عوامل اثر گذار بر سطح فساد است پس شرط اتخاذ راهکارهای موثر جهت کنترل این معضل می باشد. به این منظور، ابتدا وارد ادبیات مفهومی شده، به تعریف فساد سیاسی و اقتصادی که مانع اصلی توسعه و منشا مفاسد دیگر می باشند، و سپس به پیامدها و هزینه های فساد اشاره می شود. آنگاه در یک بحث کوتاه، علل و عوامل موثر در فساد سیاسی و اقتصادی را بیان داشته، ضمن بررسی تطبیقی وضعیت فساد در کشورها، راهکارهای مبارزه با این پدیده ویرانگر را بیان خواهیم داشت.

### اهمیت موضوع

یکی از مختصه هایی که در تمامی مراحل توسعه بوروکراسی جدید در ایران مشاهده می شود مسئله فساد اقتصادی و سیاسی است و برای بررسی مسئله فساد باید نخست آن را تبیین کنیم. در گذشته فساد اداری را ناشی از طمع سیری ناپذیر انسان می دانستند و به عنوان مثال اندیشمندان قرون میانه درباره فساد این گونه می پنداشتند. اما اندیشمندان دوره روشن فکری یعنی جنبش فلسفی قرن هجدهم که ویژگی بارز آن عقل گرایی بود و نیز نظریه پردازان دولت دمکراتیک در قرن نوزدهم تعریف امروزی و دقیق تری از فساد به دست داده اند که عبارت است از استفاده غیر قانونی از اختیارات اداری، دولتی برای نفع شخصی. فساد سیاست های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرارداد و منابع ملی را هدر می دهد، تکاپو مسئولان دولتی و شهروندان را به پول های باد آورده معطوف می کند؛ رشد رقابت پذیری را دشوار می سازد، تلاش های فقر زدایی را ناکام می سازد و بی انگیزگی و بدبینی ایجاد می نماید. در یک کشور توسعه یافته فساد می تواند در قسمتی از بدنه سیاسی رسوخ کرده باشد؛ ولی در یک کشور در حال توسعه که اغلب از نظام اداری و تشکیلات سیاسی عاجز تری برخوردار است، مساله فساد می تواند گریبان گیر بخشی از کل نظام شده باشد لذا ضرورت دارد تا با آگاهی و شناخت کافی از ابعاد و عوامل تاثیرگذار بر فساد اداری در سازمان ها این موضوع مورد توجه قرار گرفته و مطالعات دامنه داری در این خصوص به انجام رسد [۳].

### پیشینه پژوهش

موضوع «تبیین فساد اقتصادی و سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران» با رویکرد های متنوع در پژوهش های متعدد مورد واکاوی قرار گرفته است و در خصوص پیشینه این پژوهش، پژوهش هایی با عناوینی تقریباً متشابه ترسیم شده است:

پژوهش سازمان شفافیت بین المللی (۲۰۱۳)، در ۱۰۷ کشور جهان (۱۱۴ هزار نفر) نشان داد که بیش از نیمی از مردم معتقدند طی دو سال گذشته فساد در جهان گسترش یافته است و بیش از یک چهارم پرسش شوندگان بیان کرده اند که به مناصب دولتی رشوه پرداخت کرده اند. علاوه بر این ۵۱ کشور احزاب سیاسی را فاسدترین سازمان ها شناخته اند. ۳۶ کشور پلیس و ۲۰ کشور مناصب قضایی از جمله دادستان، بازپرس و قاضیان را فاسدترین افراد می شناختند [۴].

اسمیت (۲۰۱۰)، با استفاده از روش مدل یابی معادلات ساختاری داده های دولتی، نشان داد که فساد مشروعیت توزیع اقتصادی در دولت را تضعیف می کند و به دلیل هدررفت اموال عمومی از مسیر اصلی خود عملکرد توزیعی دولت را تضعیف می کند و ظرفیت دولت برای نبرد با نابرابری اقتصادی و ارائه خدمات عمومی به شهروندان را کاهش می دهد [۵].

دهقان و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی با عنوان رابطه ی ادراک فساد و اعتماد اجتماعی در بین شهروندان انجام دادند. این پژوهش درصدد بررسی ارتباط ادراک فساد با اعتماد اجتماعی در میان شهروندان بالای ۳۰ سال شهرهای آمل، ساری و چالوس استان مازندران است. در متغیر ادراک فساد از نظریه های هوجس، تراپسمن و هایدن هایمر و در متغیر سرمایه اجتماعی از رویکرد نظری نهاد محور و به طور اخص از نظریه های بوروئستاین و استول استفاده گردیده است. داده های مورد نیاز با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسش نامه از میان نمونه آماری ۴۰۰ نفری جمع آوری شده اند. یافته های توصیفی نشان داد که میزان سازه ی ادراک فساد و تمامی ابعادش (فساد خرد، فساد کلان، فساد سیستمی و فساد بین المللی) در سطح پایینی قرار دارند. یافته های تبیینی نشان دادن که ادراک فساد و تمامی ابعادش، رابطه معکوس و قوی با اعتماد اجتماعی دارند که قوی ترین روابط به ترتیب مربوط به ابعاد ادراک

فساد سیستمی، فساد کلان، فساد خرد و فساد بین‌المللی بوده است. نتایج حاکی است که هرچه میزان ادراک فساد در همه ی ابعادش افزایش و گسترش یابد، باعث افول میزان اعتماد اجتماعی در ابعاد مختلف آن می‌گردد [۶].

سانگ و چنگ (۲۰۱۲)، بر اساس نظرسنجی ای از ۱۶۴۲ کارشناس، به این نتیجه رسیده‌اند که ارتباط مستقیمی بین فساد درک شده در بین شهرستان‌های چین و سطح توسعه ی اقتصادی آن‌ها وجود دارد. در این پژوهش، بخش‌های ساخت و ساز، کارکنان سازمانی و مدیریتی، پلیس، امور مالی و مالیات، و دادگاه‌ها به ترتیب بخش‌هایی شناخته شده‌اند که بیشتر در معرض فساد بودند [۷]. پژوهش حاضر از دو جهت متمایز از دیگر پژوهش‌هاست:

- ۱- در پرداختن به مسئله فساد در درون دولت دیدگاه تاریخی ندارد و به دنبال استفاده نظری و اندیشه ای این دوران است.
- ۲- این پژوهش به دنبال تبیین فساد اقتصادی و سیاسی در موضوع، پیامد، هزینه‌ها و راهکارهای پیشنهادی برای شفافیت و فساد در حکومت است.

## مفاهیم شناسی

### ۱- فساد

هر تعریفی از فساد یا مفهوم پردازی در رابطه با آن تمرکز اصلیش بر دولت و سیاست فاسد و رهیافت‌های تقاضا محور است. فساد از ریشه فسد در اصطلاح دارای تعاریف مختلفی از قبیل: تباه شدن، ظلم و ستم [۸]. تحصیل پول و مقام و غیره از راه‌های نادرست و سوءاستفاده است [۹]. فساد به هر نوع تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و سوء استفاده از موقعیت در جهت استفاده از امکانات مالی اطلاق می‌شود؛ که دارای مصادیقی چون اختلاس، رشوه، اخاذی و رانت‌های اقتصادی، برداشت و دخل و تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال، استفاده از امتیازات و بهره‌برداری‌های مالی و اشکال گوناگون دیگر است [۱۰]. در ماده یک قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد تصریح گردیده است که «هر گونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد؛ یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفای اسناد و سوابق اداری و مالی به عنوان فساد تلقی گردیده است [۱۱]. در تعریف دیگری، فساد به عنوان سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع شخصی تعریف شده است درمجموع می‌توان گفت که فساد، یک رفتار رانت جوینانه است و درحقیقت، فساد اقتصادی؛ معامله‌های بین بازیگران بخش خصوصی و دولتی است که از طریق آن، ثروت عمومی به طور نامشروع به منافع خصوصی نامشروع تبدیل می‌شود [۱۲]. فساد رفتاری است که وظایف رسمی یک نقش همگانی دولتی را به منظور یک توجه خصوصی شخصی، خویشاوندان نزدیک، محفل خصوصی، منافع مالی یا موقعیتی، یا نقش قوانین در قبال انجام نوع خاصی از تأثیرات توجه شخصی منحرف می‌نماید. فساد شامل اشکال مختلفی از جمله رشوه، اخاذی، دریافت تسهیلات، کلاه برداری، تبانی، خویشاوند سالاری و اختلاس می‌باشد. یکی دیگر از دلایل فساد برخورداری از اختیارات بیش از حد است [۱۳]. در سیاست، فساد دموکراسی و حکومت داری مناسب را از طریق استهزاء و حتی براندازی فرآیندهای رسمی تضعیف می‌نمایند. فساد در انتخابات و قانونگذاری، مسئولیت پذیری را کاهش می‌دهد و نمایندگی مردم در سیاست گذاری را تحریف می‌نماید. فساد در قوه قضائیه، حاکمیت قانون را به خطر می‌اندازد، و فساد در مدیریت عام منجر به ارائه خدمات نا کارآمد می‌گردد. فساد برای جمهوری خواهان، یک اصل پایه محوریت فضیلت مدنی را نقض می‌نماید. فساد در رده‌های بالای اداری، فساد در رده‌های پایین را افزایش می‌دهد. یکی از عواملی که ارتباط منفی با فساد دارد، اعتماد است. "به طور کلی فساد ظرفیت نهادهای دولتی را فرسوده می‌نماید زیرا رویه‌ها نادیده گرفته می‌شوند، منابع به فنا می‌روند و خدمات دولت خریداری شده و به فروش می‌روند. فساد مشروعیت دولت و ارزش‌های دموکراتیک مثل اعتماد و بردباری را تضعیف می‌کند

نماید. شواهد نشان می‌دهد که فساد و رشوه خواری می‌توانند منجر به تاثیرات منفی در اعتماد به نهادها گردد [۱۴]. سازمان‌های جهانی پدیده فساد مالی و سیاسی را به عنوان یکی از مهمترین نگرانی‌های مدیریت دولتی و مانعی بزرگ برای توسعه پایدار قلمداد کرده‌اند [۱۵]. هر چه بر میزان فساد اقتصادی و سیاسی در جوامع در حال توسعه افزوده می‌شود؛ امنیت عمومی بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد. فساد سیاسی و اقتصادی از بزرگ‌ترین موانع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه هستند [۱۶].

## ۲\_فساد سیاسی

در تعریف فساد سیاسی عمدتاً به حوزه عمومی فعالیت بازیگران سیاسی، توجه شده است. تاکید قاطع در اینجا در برخورد حوزه‌های عمومی و خصوصی روی می‌دهند مانند زمانی که سیاستمداران یا کارمندان از دسترسی محرمانه خود به منابع به هر شکل بطور نامشروع برای سود رسانی به خود یا دیگران استفاده می‌برند. آن دسته فعالیت‌های که کلاً خارج از حوزه‌های عمومی انجام می‌گیرند مانند فساد مالی و حرفه‌ای در بخش خصوصی که فراوان هستند خارج از حوزه علایق تحلیلی قرار می‌گیرند. بین حوزه‌های اساسی بخش عمومی و خصوصی تداخل وجود دارد برای مثال در برخی کشورها فرق نهادن بین فساد سیاسی و جرایم سازمان یافته واقعاً دشوار است. در مورد ایتالیا و بخصوص تحولات اخیر روسیه ثابت می‌کنند رابطه متقابل جرایم سازمان یافته و سیاست می‌تواند فوق‌العاده نزدیک باشد. ارائه تعریفی تعمیم‌پذیر و غیر متناقض از فساد سیاسی ممکن نیست [۱۷]. در واقع شاید این اقدام خطر ضرورتی نداشته است. فساد سیاسی مفهومی از سیاست غیر آلوده به فساد را مفروض می‌گیرد. چنین برداشتی متضمن داوری هنجاری در مورد ماهیت واقعی سیاست و تحریف بالقوه آن می‌باشد. بیشتر متون فساد سیاسی تمایز میان تعریف‌های دولت محور، مبتنی بر نفع عمومی و بازار محور را دنبال کرده‌اند [۱۸]. در رهیافت‌های بازار محور که معمولاً در واژگان شناسی برگرفته از تحلیل‌های اقتصادی بیان می‌شوند، بیشتر به سازوکارهای فساد سیاسی که به طور ویژه رابطه کارگزار را مورد توجه قرار می‌دهد و شرایط ایجاد کننده آن پرداخته می‌شود. تعریف صریحی که رهیافت‌های بازار محور ارائه می‌کنند میل به سوی تقلیل‌گرایی و توسل به هنجارهای حقوقی دارد: فساد سیاسی هنگامی روی می‌دهد که کارگزار قانون را به نفع منافع خود با قربانی کردن منافع حاصله از یک اصل حقوقی نقض کند. فساد به صورت اجتماعی تعریف می‌شود آنچه عموم مردم در هر دولت فساد تلقی می‌کنند فساد است. این تعریف به آن دسته از افکار عمومی مبتنی است که اقداماتی که احتمالاً فاسد تلقی می‌شوند و عملاً در حال وقوع هستند آگاه است. همین‌طور این تعریف توانایی اظهار نظر آزادانه افکار عمومی در مورد هر موضوع فرضی را مفروض می‌گیرد [۱۹]. تکیه به تعریف اجتماعی فساد سیاسی، هر گونه تحلیل مقایسه‌ای را بی‌معنی می‌کند زیرا نمی‌توان تعریف‌های مفهومی را که ویژگی فرهنگی دارند جابجا کرد [۲۰]. به استفاده از قدرت از جانب مقامات دولت در بالاترین سطوح و افراد منتخب شامل قانونگذاران، یا شبکه مرتبط با ایشان به منظور کسب منافع نامشروع خصوصی، فردی یا گروهی فساد سیاسی گفته می‌شود. فساد سیاسی مشخصاتی را نشان می‌دهد که به تمامی بخش‌های جامعه گسترش می‌یابد، فساد اقتصادی، فساد علمی و غیره، که همگی فسادهای سیاسی هستند که در نهادها و قوانین سیاسی ظاهر می‌شوند که به درستی شکل نگرفته است. فساد سیاسی در فرآیندهای سیاسی ظاهر می‌شود و در ارتباط بین بازیگران سیاسی رخ می‌دهد که در فرآیندهای سیاسی نقش دارند. بازیگر سیاسی که به دلیل فساد سیاسی، از حق تصمیم‌گیری برخوردار شده، از قدرت سیاسی و اختیاراتش برای نقض قوانین، قواعد و همچنین معیارهای اخلاقی استفاده می‌کند. در فساد سیاسی ساختار قدرت متمرکز است، رقابت سیاسی وجود ندارد و مکانیسم مسئولیت‌پذیری بسیار ضعیف است [۲۱].

## ۳\_فساد اقتصادی

فساد اقتصادی موجب بروز فقر، محرومیت و عقب ماندگی می‌شود. فساد اقتصادی یکی از اشکال جرم است. بانک جهانی فساد مالی را سوء استفاده از قدرت و اختیارات دولت به منظور تأمین منافع شخصی تعریف کرده است. پژوهشگران، فساد اقتصادی را به عنوان یک رابطه حکومت - جامعه تعریف کرده. فساد اقتصادی را به عنوان یک ساز و کار نشت از بالا یا توزیع مجدد رو به پایین

دسته بندی کرده اند. اما از لحاظ همنشینی فساد قدرت با فساد اقتصادی، عملاً این دو مفهوم به هم نزدیک گشته و حالتی جدا ناپذیر پدید آورده اند. علاوه بر این، دولت ها و مجامع بین المللی نیز برای دستیابی به یک تعریف و مفهوم منسجم تلاش هایی را صورت داده اند [۲۲]. مهمترین مفاسد و جرائم اقتصادی عبارتند از: دریافت غیرمجاز تسهیلات بانکی، عدم ایفای تعهدات پس از دریافت تسهیلات بانکی، تبانی و اهمال در نظارت بر اعطای تسهیلات بانکی و کنترل بر عدم انحراف آن ها، پولشویی، رشاء و ارتشا، اختلاس نزد مدیران ارشد دستگاه اداری، دخالت در معاملات دولتی، مناقصه ها و مزایده ها، تبانی و تقلب در پرداخت حقوق و عوارض گمرکی، دریافت پورسانت در معاملات دولتی [۲۳]. اغلب این جرائم و مفاسد توسط صاحبان قدرت و ثروت به واسطه رانت اطلاعاتی و داشتن روابط نزدیک با متولیان جریان اقتصاد و درآمدهای دولت صورت می گیرد. از علل فساد اقتصادی می توان ادبیات نظری پیرامون ارتباط میان پدیده فساد و رشد اقتصادی را بررسی کرد: اول، نظریاتی که معتقدند فساد قادر است از طریق دور زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطافناپذیر تحمیل شده توسط دولت خصوصاً در کشورهای کمتر توسعه یافته به افزایش رشد اقتصادی منجر شود. دوم، نظر هایی که فساد را به مثابه نیرویی می دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می رساند و از این رهگذر، زمینه کاهش رشد اقتصادی را فراهم می آورد [۲۴]. دخالت کم یا گسترده دولت در اقتصاد، هر کدام به عللی متفاوت، رشد اقتصادی کشورها را محدود می کنند. به طوریکه نه رشد و سطح بالای ثروت اقتصادی بدون دخالت دولت به دست می آید و نه جوامعی که سطح بالایی از اقتصادشان در انحصار دولت ها است می توانند به سطح نسبتاً بالایی از رشد اقتصادی دست یابند. بنابراین، بیش از هر چیز به وجود دولتی کارآمد و شفاف نیاز است تا در چارچوب آزادی های مدنی و حکمرانی خوب عمل کند و از بی عدالتی، تخصیص غیر بهینه و فساد جلوگیری کند [۲۵].

### هزینه های فساد

هر گونه اقدام به فساد امکان نفوذ برای کسب سودهایی ناشی از مداخله در بخش عمومی را فراهم می کند. هزینه اعمال نفوذ چنین اقدامی دوگانه است؛ از یک سو انحراف تصمیمات متخذه و از سوی دیگر، سرمایه گذاری وقت و انرژی در اختصاص درآمدها بدون هیچگونه بهره جمعی. در یک ساختار دولتی اطلاعاتی درباره بهره های قابل کسب از مبادرت به ارتشا در جریان است می توان انتظار داشت کارگزاران فرضی با صرف منابع خودشان و صرف منابع سازمان، در موقعیت های معین بکوشند بر فرایند تصمیم گیری داخلی برای اشغال آن مناصب اعمال نفوذ کنند. به عبارت دیگر، ساز و کارهای نهادین گزینش کارمندان سیاسی به نفع افراد با وجدان اخلاقی ضعیف تر که برای ایجاد نفوذ سرمایه گذاری کنند، دگرگون می شود. به این ترتیب دسته های بسیار بیشتری برای به دست گرفتن کنترل حکومت تشکیل می شوند و هر دسته در فعالیت های سیاسی خود عوامل تولید بیشتر را بکار خواهد بست. زمانی که اولویت کارگزاران دولتی جستجوی سود باشد، کاهش کارآمدی سازمانی امری قابل انتظار است [۲۶]. فساد می تواند منبع ناکارآمدی پویا باشد و همچنین باعث گزینش نامطلوب شرکت ها شود. اولویت بندی منابع برای فعالیت های که مورد اعمال نفوذ قرار می گیرند در کارآمدی شرکت هایی که در تامین تقاضای عمومی تخصص دارند خسارتی فزاینده پدید می آورد. توانایی که مدیریت دولتی برای این فرایند می پردازد توانایی سنگین است. گرایش قوانین مناقصه عمومی پاداش شرکت هایی است که به این ترتیب بتوانند نسبت به رقبای خود پیشنهاد پایین تری برای انعقاد قرارداد ارائه کنند. وقتی، تصمیمات اختیاری باشند، ممکن است اساس گزینش یک شرکت معیارهای غیر رسمی باشد. چون تصمیمات اختیاری اعتماد متقابل به مقاصد طرف دیگر را امکانپذیر می کند و از این رو احتمال فریب خوردن در تبادل رشوه را کاهش می دهد. دوستی، روابط خویشاوندی یا پیش زمینه سیاسی مشترک، عوامل تعیین کننده می شوند. به عبارت دیگر، انتخاب می تواند بر مبنای تمایل طرف خصوصی به پرداخت رشوه انجام گیرد که در این مورد رقابت واقعی میان پیشنهاد کنندگان رشوه در بازار زیرزمینی ارتشا جریان می یابد. در هر صورت نه تنها کارآمدی بهره وری یعنی توانایی انجام وظیفه خواسته شده با سرعت بیشتر و هزینه کمتر وجود نخواهد داشت بلکه با لغزش های اخلاقی یا ظرفیت ایجاد روابط دوستانه و اطمینان به کسانی که تصمیمات عمومی را اتخاذ می کنند، نیز مواجه خواهیم بود [۲۷].

## ۱- پیامد شناسی فساد سیاسی

رابطه مبهمی ما بین توسعه سیاسی و فساد وجود دارد. در رابطه توسعه سیاسی، دموکراتیزه شدن و فساد دو نوع رابطه مرتبط و مهم پیچیده را می‌توان ملاحظه کرد. بعضی از پژوهشگران و بسیاری از دست‌اندرکاران معتقدند که فساد سیاسی ممکن است به خاطر تسهیل و آسان‌تر کردن سیستم بوروکراتیک شدید و کمک به اجزای مسائل موضوعی مطلوبی باشد که البته موضوع نسبی است، زیرا که سختگیری بیش از اندازه و کسب منابع افراطی بیش از حد می‌تواند به ناممکن بودن و عدم انتفاعی بودن تجارت و کارآفرینی منجر شود. فساد سیاسی همچنین می‌تواند به آسان کردن حرکت چرخ‌های دولت، باز نمودن درها و قادر ساختن کارآفرینی خصوصی و گسترش تجارت بیانجامد. در اصطلاحات اقتصادی فساد همواره بد تلقی نمی‌شود به عنوان مثال رشد اقتصاد و سطح سرمایه‌گذاری مستقیم در دولت‌های مستعد برای فساد و در بعضی کشورها فساد به عنوان مانعی در مقابل رشد تلقی می‌شود. گرچه از نقطه نظر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بعضی از کشورها قادر به جذب سرمایه‌های عظیم خارجی حتی زمانی که دارای فساد بوده‌اند در بسیاری از موارد فساد در حقیقت مانعی نسبت سرمایه‌گذاری خارجی تلقی شده است. اما شواهد و پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که در اکثر موارد فساد مانعی در مقابل توسعه اقتصادی بوده است زیرا که فساد نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی و کمک‌های خارجی، سرمایه‌گذاری داخلی، اخذ مالیات و کارآفرینی طرحی غیرمضر تلقی می‌شود. فساد در کشورهایی ممکن است بد و صورت سازمان یافته و سازمان نیافته داشته باشد. فساد، متمرکز هماهنگ شده و منظم در بعضی از کشورها به صورت همزمان و در سایر کشورها فساد ممکن است به صورت غیر متمرکز و نامنظم و آشفته وجود داشته باشد [۲۸]. به طور کلی ما بین فساد کنترل شده و کنترل نشده و متعاقباً ما بین فساد قابل اندازه‌گیری و غیرقابل پیش‌بینی تفاوت وجود داشته باشد. تعدادی معتقدند که در کشورهای دارای فساد گسترده، فساد هزینه عملیات بر علیه آن را افزایش و موجبات ائتلاف منابع عمومی برای ارائه خدمات عمومی را فراهم خواهد ساخت و تصمیمات دولتی منحرف و دولت‌ها قادر به ارائه خدمات عمومی بیشتر نخواهند شد. معضل دیگر عبارت است از این که در سیستم‌های غیر دموکراتیک و شبه دموکراتیک که در آن‌ها قدرت سیاسی در اصل در جهت تعقیب منابع نخبگان حاکم به کار می‌رود افزایش کارایی دولت در اصل ممکن است خود نسبت به توسعه ملی زیان بخش باشد و ممکن است منجر به کسب امتیازات مالی برای نخبگان حاکم شود [۲۹].

## ۲- پیامد شناسی فساد اقتصادی

فساد اقتصادی را می‌توان یکی از نتایج اجتنابناپذیر رشد نامتوازن اقتصادی دانست. در شرایطی که دولت به عنوان اصلی‌ترین بازیگر اقتصادی تلقی می‌شود، طبعاً امکان ضابطه زردای اقتصادی از سوی نیروهای دولتی افزایش می‌یابد. این امر منجر به فساد اقتصادی گردیده و زمینه را برای ظهور جلوه‌هایی از رضایت محدود و ناپایدار فراهم می‌سازد [۳۰]. مفسدان اقتصادی در همه جای دنیا برای اینکه از دست قانون راحت باشند، بیکار نمی‌نشینند. بسیاری از قضات را با پول می‌خرند، وکلای قدرتمندی برای خود دست و پا می‌کنند، اگر خبرنگاری بخواهد فساد آنان را افشا کند، به طرق مختلف او را از سر راه بر می‌دارند، مراقبند که هیچ عامل نفوذی جان سالم به در نبرد و از همه مهمتر اینکه سیاستمداران را چنان به خود وابسته می‌کنند که نتوانند کاری برای مبارزه با فساد انجام دهند. با این حال، فساد تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر روندهای جاری اقتصادی و سیاسی جامعه بر جا می‌گذارد. ایران در تاریخ معاصر خود، شاهد مفاصد مالی و اقتصادی بسیاری بوده است، حکومت‌های فاسد و مستبد، با سوءاستفاده‌های مالی هر آنچه خواستند با ملت ایران کردند، مقام و مشاغل بالای دولتی، ثروت کلانی به همراه داشته و بسیاری با دادن رشوه، به مقام‌های دولتی و حکومتی دست می‌یافتند و بدین ترتیب، مسیر فساد و بهره‌برداری‌های را در جهت منافع شخصی می‌پیمودند. به طور کلی موارد زیر را می‌توان مهم‌ترین عوامل پیدایش و گسترش فساد تلقی کرد [۳۱]. انحصار قدرت و دسترسی به اطلاعات رانتی، شفاف نبودن نظام بودجه‌بندی، ضعف شایسته‌سالاری و کمبود نیروهای کارآمد و کاردان در بخش دولتی. فساد مالی و اقتصادی همچنین از طرق مختلفی بر اقتصاد و متغیرهای اقتصادی تأثیر گذار است. فساد مالی، روند کار بازارها و تخصیص منابع را مختل می‌کند. افزون

بر این توان دولت را برای وضع مقررات کنترلی و نظارت‌های مورد نیاز برای اصلاح نقایص بازار کاهش می‌دهد. در صورتی که دولت نتواند نقش نظارتی خود را در اقتصاد ایفا کند، بخشی از فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. از طرف دیگر، دولتمردان برای سوءاستفاده و با هدف منافع در امور دخالت کنند، مانند ایجاد انحصارات دولتی برای منافع شخصی، خود به خود بر میزان مشکلات و کاستی‌ها افزوده می‌شود [۳۲].

## خواستگاه‌های اصلی فساد

### ۲- فساد در درون دولت

گسترده‌گی دولت از چند جنبه بر روند فساد تأثیرگذار است. نخست اینکه بزرگی دولت منجر به گسترده‌گی حیطه اختیارات شده و مقامات سیاسی در سطح وسیعی دارای اعمال قدرت و نفوذ می‌شوند. دوم، این گسترده‌گی موجب به وجود آمدن نیاز کاذب و استخدام کارکنان برای تصدی وظایف محول شده به دولت می‌شود، کارکنانی که اغلب ناکارآمد هستند. سوم، به خاطر عدم وجود مدیران نخبه و برجسته در کشورهای جهان سوم، بزرگی دولت خود به خود موجب گسترش ضعف مدیریتی و بروز فسادهای ناشی از آن می‌شود. ضعف قانونی از دو جنبه بر روند فساد تأثیرگذاری می‌کند. نخست، ضعف قوانین مناسب در مبارزه علیه فساد سپس، قوانین ناکارآمد در بخش‌های تجاری، مالی، بانکی، ثبت اسناد و سایر ابعاد اقتصادی. پایین بودن درآمد سرانه، اقتصادهای ناپایدار و تورمزا، گرانی‌های مزمن و حقوق ناکافی کارمندان، در کنار رشوه‌گیری رایج‌ترین وجه فساد را به یک امر رایج در دولت تبدیل ساخته است. به طور کلی کاهش پرداخت‌های دولتی، باعث افزایش احتمال بروز فساد می‌شود. دستگاه قضایی از دو جنبه قابلیت تأثیرگذاری عمیق و پایدار بر فرایند فساد را دارد. نخست، کوتاهی این دستگاه در رسیدگی به تخلفات، عامل جری شدن مرتکبین فساد خواهد شد. سپس فاسد بودن عناصر قضایی که با اعمال نفوذ در رسیدگی‌ها و افراد آلوده یا «نارسیدگی» در پرونده‌ها، بخشی از زنجیره کارکنان فساد را تشکیل می‌دهند. در دولت‌ها، سیاسی بودن اقدامات قضایی به بهانه فساد، بخشی از معضل فرایند سیاسی بوده و به عنوان مانعی در تحقق مقابله با فساد در این کشورها محسوب می‌شود. در هر کشور، هر چه آن جامعه به سمت فرایند مردم‌سالار شدن پیشرفت کند از میزان فساد مالی و سیاسی کاسته خواهد شد. تجارب و شواهد موجود نشان می‌دهد که دولت‌های فاسد به طور معمول، رویه‌های خودکامه و سرکوب‌گرانه را اتخاذ می‌کنند و موجبات اختلال در روندهای مردم‌سالار را فراهم می‌سازد. همچنین بررسی‌ها حاکی است که کشورهای در حال گذر سیاسی و اقتصادی معمولاً از جمله فاسدترین کشورها هستند. این اتفاق در دوران گذر وقتی رخ می‌دهد که کنترل‌های خودکامه از طریق آزادسازی اقتصادی و تمرکز زدایی‌های سیاسی با چالش رو به رو شده و رو به نابودی می‌روند، اما هنوز معیارها و کنترل‌های مردم‌سالارانه و نهادهای مشروع و پاسخگو جایگزین نظام سابق نشده است [۳۳]. اولین امری که در ممانعت از وقوع فساد به عنوان یک عامل پیشگیری می‌تواند مؤثر باشد، بررسی علل فساد در جامعه است. فساد ممکن است مسئله‌های ناشی از ساختار سیاست و اقتصاد کشورها باشد یا ریشه در فرهنگ و قواعد اخلاقی داشته باشد؛ اما دلایل، اشکال و نتایج حاصل از این مشکل در هر کشور شکل مخصوص به خود دارد. تفاوت‌ها از لحاظ سازمان‌های قانونی و سیاسی، میزان توسعه اقتصادی و ارزش‌های اجتماعی تأثیرات متغیری را در مقابله با فساد در پی دارد. بنابراین برای شناسایی و کنترل فساد تنها نباید به نقش متغیرهای اقتصادی پرداخت. فساد ریشه در فعالیت‌های دولت، به ویژه قدرت انحصاری و نفوذ اختیارات آن دارد؛ از این رو بین میزان فساد و نحوه دخالت دولت در امور اقتصادی و شدت گسترش فساد اداری رابطه مستقیمی وجود دارد. فساد را باید نوعی عارضه از ضعف بنیادین دولت به شمار آورد [۳۴]. با توجه به این تعریف می‌توان گفت فساد با فعالیت دستگاه‌های دولتی و به ویژه انحصارات دولتی پیوند دارد، ولی حذف کامل دولت، واقع بینانه نیست و علاوه بر این، فساد در بخش خصوصی هم دیده می‌شود. نکته مهم این است که صرف اندازه و مداخله دولت نمی‌تواند عامل اثرگذاری در فساد باشد، بلکه مداخله دولت زمانی سبب افزایش فساد می‌شود که دولت در سازوکار بازار اختلال ایجاد کند یا بازار سیاه رواج پیدا نماید [۳۵]. در سطح نظری گفته می‌شود بخش عمده‌ای از تقویت شدگان توسط دولت،



حامیان و برآمدگان از دولت‌های وقت هستند؛ بنابراین در دولت‌ها با یک اراده و منطقی تلاش شده‌است هم‌پیمان‌های سیاسی دولت‌ها تقویت شوند در واقع آغاز فساد از آنجا است [۳۶].

از نظر اقتصادی، فساد باعث نابودی ثروت ملی می‌شود. سیاستمداران فاسد، منابع کمیاب عمومی را روی پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که بیشتر مطابق با جیب خودشان است نه صلاح جامعه و به پروژه‌هایی مانند سد‌ها، نیروگاه‌ها، طوط لوله و پالایشگاه‌ها، بیشتر از پروژه‌های مهم و زیرساختی مانند مدارس، بیمارستان‌ها و جاده‌ها اهمیت می‌دهند. فساد باعث اختلال در توسعه ساختارهای بازار منصفانه و رقابت می‌شود که آن نیز باعث مشکلاتی در سرمایه‌گذاری می‌شود. فساد باعث از بین رفتن بافت اجتماعی جامعه می‌شود و اعتماد مردم به سیستم سیاسی، موسسات و رهبری جامعه از بین می‌برد. یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با فساد، محدود ساختن فعالیت‌های اقتصادی دولت و تشویق بخش خصوصی به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی از طریق آزادسازی اقتصاد می‌باشد. اجرای برنامه آزادسازی مستلزم پیش زمینه‌ها و اصلاح ساختار اقتصادی است. اصلاحات، خصوصی‌سازی، ایجاد رقابت، قیمت‌های اقتصاد آزاد، تمرکززدایی و ایجاد دولت با تدبیر می‌تواند اقتصاد را به توانایی‌های بالقوه نزدیک سازد و تولید را افزایش دهد. این اصلاحات ممکن است منجر به کاهش درآمدهای دولت در نتیجه کاهش عوارض و مالیات‌های بازرگانی شود و اینکه در تلاش برای حفظ ثبات کلان اقتصادی دولت‌ها ممکن است هزینه‌های اجتماعی را کاهش دهند یا مالیات‌های جدیدی را اعمال کنند که اثر نامطلوبی بر فقرا در جامعه داشته باشند. همچنین کاهش نرخ‌های بالای تعرفه‌ها انگیزه‌های قاچاق و فساد را کاهش می‌دهد. در مراحل بعدی اصلاحات مربوط به آزادسازی تجاری و کاهش تعرفه‌ها ممکن است منجر به کاهش درآمدهای دولت گردد. فساد، معلول دو پدیده فقر و تبعیض است و این دو پدیده، معلول ناکارآمدی حکومت. در مقابل، مشروعیت حکومت از طریق کارآمدی حکومت حفظ می‌شود. در کشورهایی که میزان فساد زیاد است؛ نسبت جمعیتی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند نیز بالاست. یکی از دلایل اصلی فساد، فقر و حقوق ناکافی است. هر قدر حقوق نسبی در بخش دولتی بیشتر باشد، آنچه که کارمند در صورت کشف جرم و اخراج از شغل دولتی از دست می‌دهد، بیشتر خواهد بود. بنابراین هزینه‌های احتمالی فساد بالا می‌رود و هنگامی که فساد در جامعه گسترده باشد، درآمدهای مالیاتی کاهش و در نتیجه توانایی دولت برای پرداخت حقوق محدود می‌گردد. فساد و بی‌ثباتی دو روی یک سکه و همزاد یکدیگرند. هر چه میزان و تعداد نهادهای غیردموکراتیک در جامعه بیشتر باشد، فساد زمینه بروز و قابلیت بالقوه بیشتری می‌یابد. هر چه سطح توسعه‌یافتگی بالاتر و میزان دخالت و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت و نحوه مدیریت جامعه بیشتر باشد، به همان نسبت فساد قابلیت بروز کمتری می‌یابد. در اقتصادهای در حال گذار، فساد شکل جدیدی پیدا کرده است که در آن شکل‌گیری سیاست‌ها و خط‌منشی‌ها، متقلبانه اعمال نفوذ کرده و قواعد بازی را کاملاً به سود خود طراحی می‌کنند. به چنین رفتاری تسخیر دولت گفته می‌شود [۳۷]. فساد ناشی از تسخیر دولت نه تنها معلول بلکه علت اساسی ناکارآمدی حکومت است. به شرکت‌هایی که اقدام به پرداخت رشوه برای اعمال نفوذ در محتوای قوانین و مقررات کرده‌اند، عنوان شرکت‌های اجیرکننده داده شده است. به طور کلی تسخیر دولت زمانی شیوع می‌یابد که شرکت‌ها با ناامنی حقوق مالکیت، محدود بودن رقابت، عدم آزادسازی اقتصاد و .. مواجه هستند. تسخیرپذیری اقتصاد سبب رونق رابطه‌مداری به جای صلاحیت و شایسته‌سالاری و استفاده از نفوذ به جای نوآوری می‌شود. از سوی دیگر فساد در خریدها و مناقصه‌های دولتی نیز از جمله شیوه‌های متداول برای اعمال نفوذ است. در کشورهایی که سطح فساد بالاست، نرخ مرگ و میر کودکان بالاست. در کشورهایی که سطح فساد بالاتر است نرخ ترک تحصیل نیز بالاست. از سوی دیگر فساد می‌تواند هزینه خدمات درمانی و آموزشی را بالا ببرد. بین میزان و نحوه مداخله دولت در امور اقتصادی و شدت و گستره فساد اداری رابطه مستقیمی وجود دارد. تجربه کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که این کشورها پس از جنگ جهانی اول و دوم تلاش‌های وسیعی برای گسترش مالکیت دولت از طریق ملی کردن صنایع و خدمات را آغاز کردند. حاصل این تجارب که در عدم کارایی شرکت‌های دولتی خلاصه می‌شود، باعث شد تا شعارهای ملی کردن به عدم ملی کردن و بازگشت به مکانیسم بازار و خصوصی‌سازی صنایع و خدمات تبدیل شود. اما در کشورهای در حال توسعه با این استدلال که مکانیسم قیمت‌ها در این کشورها به خوبی عمل نمی‌کند و راهنمای مناسبی

برای تخصیص بهینه سرمایه گذاری و عوامل تولید نیست یا اساساً بازار به مفهوم نظامی سازمانیافته و مدرن وجود ندارد. سبب شد تا در اغلب کشورهای جهان سوم، دولت عهده دار فعالیت های گسترده ای در زمینه های گوناگون از طریق شبکه های انحصاری شود. مزیت نسبی دولت در فعالیت های است که به طور طبیعی توسط بازار صورت نمی گیرد یا اصلاً از حوزه فعالیت های بازار خارج است. گسترش فساد منجر به توزیع نابرابر درآمدها، افزایش هزینه ها و کاهش انگیزه ها برای سرمایه گذاری ها می گردد و این امر نیز به نوبه خود منجر به افزایش نرخ بیکاری و تشدید فقر می گردد و چنانچه نرخ رشد جمعیت جامعه نیز بالا باشد در آن صورت منحنی رشد فقر و بیکاری شیب نگران کننده ای به خود می گیرد [۳۸].

## ۲\_ فساد در روابط دولت با شهروندان

فساد به روش های مختلفی بر جامعه تاثیر می گذارد. در بدترین موارد، فساد به قیمت جان انسان ها تمام می شود. به طور مختصر، به قیمت آزادی، سلامت یا پول افراد تمام می شود. از جمله عوامل برانگیزکننده که سبب شکل گیری قصد ارتکاب فساد در جوامع و روابط مردم می گردد مشکلات مالی، سلوک و نگرش گروهی مشوق فساد، نارضایتی و کینه جویی، فشار همپایان یا همکاران است. همچنین یکی از مهمترین عوامل انگیزشی که سبب ایجاد قصد ارتکاب فساد در متخلف می شود، فقر است [۳۹]. بیشترین تأثیر فساد بر افراد فقیر و ضعیف جامعه است زیرا برداشت غیرقانونی از وجوه دولتی یا منابع اقتصادی باعث می شود که منابع ملی به بخش های عمومی مانند بهداشت، آموزش و پرورش، حمل و نقل عمومی، خدمات پلیس و نیروی انتظامی اختصاص پیدا نکند. همچنین فساد به کاهش سرمایه گذاری و حتی فرار سرمایه از دولت منجر می شود. این مسئله به نوبه خود به مشکلات تخریب کننده توانمندی توسعه ملی و جهانی مانند رعایت نکردن حقوق بشر، نابرابری های اقتصادی، اجتماعی و فعالیت های غیرمردمی ناشی از تقلب، دزدی و سوءاستفاده مالی منتهی می شود. اغلب تعاریف فساد در برگزیده فساد بین جامعه ای است که تاکیدش بر روابط بین دولت جامعه است که در آن می توان فساد را بر اساس تاکید بر نقش دولت و کارگزاران دولتی در فساد بدون اشاره به منزلت آن ها به فساد اساسی مالی تقسیم کرد. گرچه بسیاری از تئوری های مطرح و قابل قبول در رابطه با علل فساد معمولاً از ویژگی های اخلاقی و فرهنگی جوامع و فردی سرچشمه می گیرند و بسیاری از اندیشمندان سیاسی و اقتصادی، علل فساد را بیشتر به عوامل روانشناختی فرهنگی و سیستمی و علل فرهنگی را به فرهنگ سیاسی افراد جوامع و نخبگان و فرهنگ سیاسی استراتژیک نسبت می دهند، همانند نقطه نظرات مطرح در رابطه با فساد، ارج نهادن به قانون علاوه بر علل فرهنگی به سنت های تاریخی نیز بستگی دارد. فساد در طول تاریخ اجتماعی بشر همواره به انواع و اشکال مختلف وجود داشته است. امروزه این پدیده شوم به معضل بزرگی برای دولت ها تبدیل شده و حتی گستره جهانی به خود گرفته است. اگرچه نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است، همانطور که نتایج و پیامدهای آن بنابر نوع سازمان سیاسی، اقتصادی و سطح توسعه یافتگی تفاوت دارد. اما در هر صورت فساد موجب انحطاط است، سیاست های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می دهد، موجب هدر رفتن منابع ملی می شود و به کاهش اثربخشی دولت ها در هدایت امور می انجامد و از این طریق اعتماد مردم نسبت به دستگاه های دولتی و غیردولتی کاهش یافته، بی تفاوتی، تنبلی و بی کفایتی افزایش می یابد. فساد، اعتقاد و ارزش های اخلاقی جامعه را متزلزل می کند، هزینه انجام کارها را افزایش می دهد و رشد رقابت پذیری را دشوار می کند. همچنین تلاش های فقر زدایی را ناکام می سازد، بدبینی ایجاد می کند و زمینه تضعیف روحیه افراد را فراهم می آورد [۴۰]. درواقع فساد را باید نوعی عارضه از ضعف بنیادین دولت به شمار آورد، نه عاملی پایه ای یا تنها عامل تعیین کننده بیماری های جامعه [۴۱]. فساد ریشه در فعالیت های دولت، به ویژه قدرت انحصاری و نفوذ اختیارات آن دارد؛ از این رو بین میزان فساد و نحوه دخالت دولت در امور اقتصادی و شدت گسترش فساد اداری رابطه مستقیمی وجود دارد. سطح دستمزدها در بخش دولتی به عنوان مهمترین عامل اثرگذار بر فساد اداری است. فساد با فعالیت دستگاه های دولتی و به ویژه انحصارات دولتی پیوند دارد، ولی حذف کامل دولت، واقع بینانه نیست و علاوه بر این، فساد در بخش خصوصی هم دیده می شود. نکته مهم این است که صرف اندازه و مداخله دولت نمی تواند عامل اثرگذاری در فساد باشد، بلکه مداخله دولت زمانی سبب افزایش

فساد می‌شود که دولت در ساز و کار بازار اختلال ایجاد کند یا بازار سیاه رواج پیدا نماید [۴۲]. گسترش فساد، ثبات و امنیت جوامع را به خطر می‌اندازد، ارزش‌های اخلاقی و دموکراسی را سست و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تهدید می‌کند. لازمه برقراری دولت کارآمد، اثربخش و عادل مبارزه با فساد است [۴۳].

## جلوه‌های اصلی فساد

در تبیین انواع فساد می‌توان آن را به فساد کلان که شامل فساد سیاسی و در برگیرنده تصمیم‌گیرندگان یا سیاست‌گذاران سیاسی و فساد خرد یا فساد بوروکراتیک که یکی از سبک‌های عملیاتی صاحبان قدرت حکومتی است که از طریق آن صاحبان قدرت و اقتدار خود را ثروتمند ساخته‌اند دو از منظر دیگری می‌توان فساد را به فساد فردی و جمعی و فساد از پایین در مقابل فساد از بالا یا فساد باز توزیعی و استخراجی تقسیم‌بندی کرد [۴۴].

فساد را از چند دیدگاه می‌توان تقسیم‌بندی کرد؛ فساد بر مبنای افکار عمومی جامعه: ارزش فرهنگی و اخلاقی هر جامعه با دیگر جوامع متفاوت است و در داخل جامعه نیز این ارزش‌ها در طول زمان تغییر می‌کند. در این راستا اقدامی در چارچوب فعالیت‌های اداری- دولتی، مصداق فساد را می‌یابد که از دید مردم جامعه غیراخلاقی و مضر تلقی شود. فساد براساس منافع عمومی: برخی از محققان فساد اداری را مجموعه‌ای از اقدامات کارمندان و مسئولان دولت می‌دانند که اولاً به منافع عمومی لطمه بزنند. ثانیاً هدف از انجام آن رساندن فایده به عامل یا به شخص ثالثی که عامل را برای انجام این اقدام اجیر کرده است، باشد. فساد براساس نقش وابستگی‌های اجتماعی و خانوادگی در تصمیمات کارمندان. فساد بر مبنای سطح سازمانی: فساد رؤسای دولت، وزیران و کارمندان عالی رتبه را فساد کلان و فساد کارمندان جز را فساد خرد می‌گویند. بدون کنترل فساد کلان امکان از بین رفتن فساد خرد محدود است. فساد بر مبنای نظام مندی: فساد سازمان‌یافته حالتی است که میزان رشوه و گیرنده آن مشخص است و پرداخت وجه تضمین می‌کند آنچه خواسته شده، اجرا خواهد شد [۴۵].

## ۱- فساد سیاسی

یک سیاستمدار ممکن است برای رسیدن به اهداف سیاسی از جمله حفظ قدرت سیاسی، به اقدامات آلوده به فساد متوسل شود. ساختار سیاسی جامعه، میزان قدرت و مسئولیت سیاستمداران را تعیین می‌کند و از این طریق بر منافع و هزینه‌های فساد برای هر سیاستمدار اثر می‌گذارد. هر اندازه آزادی بیان و مطبوعات و قدرت مردم در انتخاب سیاستمداران بیشتر باشد، سیاستمداران برای حفظ موقعیت سیاسی و وجهه اجتماعی خود به میزان کمتری مرتکب فساد خواهند شد. یکی دیگر از عوامل سیاسی مؤثر در کنترل یا گسترش فساد در جامعه، میزان عزم سیاسی سیاستمداران و حمایت آن‌ها در مبارزه با فساد می‌باشد. احزاب سیاسی از جایگاهی ویژه در استقرار دموکراسی برخوردارند، بدون آن‌ها دموکراسی به خطر می‌افتد. معمولاً احزاب سیاسی برای استمرار فعالیت‌های خود نیازمند منابع مالی هستند. یکی از دلایلی که سیاستمداران به فساد آلوده می‌شوند، هزینه‌های سیاسی است. موضوع حائز اهمیت آن است که فساد در محیطی که در آن یک تمایل جمعی به سمت در بر گرفتن چیزی فراتر از منافع شخصی جریان دارد رشد می‌کند. فساد یک سلسله از تعاملات و ارتباطاتی است که در داخل و بیرون از پیکره همگانی جامعه جریان دارد. رفتار این فساد همگانی و یا حتی سیستماتیک است. همچنین هرگاه مسئولیت‌پذیری ضعیف و از اهمیت کمی برخوردار است و تصمیمات به وفور بر اساس صالح دید شخصی و برخوردار از اختیارات بیش از حد صورت می‌پذیرد، فساد رونق می‌یابد [۴۶].

## ۲- فساد اداری

جرائم اقتصادی چون همراه با تبانی کارکنان دولتی صورت می‌گیرند، در چارچوب فساد اداری هم تعریف می‌شوند [۴۷]. فساد اداری عبارت است از سوءاستفاده نهادینه شده شخصی از منابع عمومی از سوی کارمندان دولتی که موجب افزایش نابرابری‌ها و اختلال در بهره‌وری می‌شود [۴۸]. فساد اداری به رفتاری اطلاق می‌شود که ضمن آن فرد به دلیل تحقق منافع شخصی و دستیابی به رفاه بیشتر و یا موقعیت بهتر، خارج از چارچوب رسمی وظایف یک نقش دولتی عمل می‌کند [۴۹]. فساد اداری، پدیده‌ای است که کم و

بیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد. با این حال نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است. نظام اداری هر جامعه بازوی اجرایی نظام سیاسی آن جامعه است و عملکرد درست یا نادرست آن می‌تواند نظام سیاسی را تداوم بخشد یا از مشروعیت بپندارد. بنابراین توجه بنیادی به نظام اداری هر جامعه و آسیب شناسی دقیق آن می‌تواند کمک بزرگی به سیاست‌گذاران آن جامعه باشد که با تشخیص به موقع، بتوانند راه حل‌های لازم را ببینند. فساد اداری، بیماری انکارناپذیر همه حکومت‌ها است و تاریخ آن به قدمت پیدایش جوامع انسانی است. فساد اداری که بستر آن، نظام اداری کشور و اداره امور دولتی است به عنوان معضلی گریبانگیر بسیاری از جوامع توسعه یافته و در حال توسعه می‌باشد و با حرکت رو به جلو جوامع، نمود بیشتری می‌یابد [۵۰] و منجر به اختلال در روند توسعه می‌شود [۵۱]. فساد اداری را از جنبه اخلاقی و اجتماعی به عنوان یک بیماری بین فرهنگی یا بازتاب یک شکست اخلاقی یا جدا شدن از هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده یا انحراف نامطلوب اجتماعی در نظر گرفته است که دستیابی به منافع شخصی غیرقانونی در آن‌ها مورد تأکید است. ممکن است به دلیل عادی شدن فساد اداری، برخی از مصادیق فساد اداری در زمره هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده درآیند. امروزه فساد اداری به یک معضل جهانی مبادل شده و دولت‌ها آگاه اند که فساد باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود که هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد [۵۲]. نظام اداری عاری از فساد، زمینه دستیابی دولت‌ها به توسعه و بهره مند شدن از تأثیرات مثبت آن را با کاستن از هزینه‌های سربار و اضافی به جامعه، ممکن می‌سازد. درحالی که نظام اداری فاسد، با مصروف داشتن منابع مالی مختص به توسعه جامعه، به مثابه باتلاقی عمل می‌کند که منابع را در خودش فرو می‌برد. از این رو فساد اداری با آسیب زدن به توسعه، مانع رشد رقابت سالم و عدالت اجتماعی می‌شود. فساد مسیر رشد اقتصادی را با موانع بسیار مواجه می‌سازد و بر توسعه اقتصادی اثر منفی دارد. فساد اداری از طریق هدایت نادرست استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به سمت فعالیت‌های نادرست برای دستیابی به درآمدهای سهل الوصول، زمینه رکود در تمام ابعاد را فراهم می‌سازد. بنابراین مقابله با فساد در عرصه اداری ضرورتی جدی و انکارناپذیر است [۵۳].

### ۳\_فساد اقتصادی

دولت بزرگ به دلیل هزینه‌های بالای خود موجب ناکارآمدی و عدم اثربخشی می‌گردد. درحقیقت، این ناکارآمدی به دلیل ضعف نظارت، مهم‌ترین عامل گسترش فساد به دلیل حاکمیت اقتصاد دولتی و دولت بزرگ است. بر اساس آمارهای موجود در سال ۱۳۹۴ حدوداً ۷۰ درصد اقتصاد ایران دولتی است و چنین مدل اقتصادی، یکی از مهمترین دلایل مفاسد مالی است. گستردگی دولت، دولتی، دولتی با منابع بسیار و غیرمبتنی بر مالیات، عدم شفافیت قوانین، عدم شفافیت مالی و پاسخگو نبودن سازمان‌های بزرگ اقتصادی، نهادهای متعدد مالی و ثروتمند غیرمولد از محل بودجه عمومی، کمبود نظارت عمومی از طریق مطبوعات آزاد و محل قدرتمند، انحلال سازمان‌های تصمیم ساز از قبیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و شوراهای عالی، کمبود استفاده از تکنولوژی اطلاعات، وضعیت اضطراری و برخورد امنیتی با حوزه اقتصاد و غلبه تعهد در ایران از علل فساد مالی است. دامنه وسیع پیامد معضل فساد اقتصادی موجب شده که کنترل فساد، اهمیت راهبردی در برنامه‌های کلان کشورها داشته باشد. هر چه بر میزان فساد اقتصادی در جوامع افزوده می‌شود، امنیت ملی بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد. فساد می‌تواند حکومت مطلوب را تضعیف و بصورت بنیادی سیاست گذاری عمومی را منحرف و منجر به تخصیص ناموزون منابع آسیب به توسعه بخش خصوصی و اقشار کم درآمد گردد. بانک جهانی، فساد مالی را سوءاستفاده از قدرت و اختیارات دولتی به منظور تأمین منافع شخصی تعریف کرده است. از تعریف مذکور نباید چنین برداشت کرد که فساد مالی مختص بخش دولتی است. در مواردی از فعالیت‌های بخش خصوصی که دولت آن‌ها را تنظیم و کنترل می‌کند نیز فساد مالی وجود دارد [۵۴]. فساد مالی هر نوع تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و سوءاستفاده از موقعیت و استفاده غیرقانونی از اختیارات و قدرت برای استفاده از امکانات مالی تعریف شده است که البته دارای مصادیق بسیاری از جمله اختلاس، رشوه، اخاذی، رانت‌های اقتصادی، دخل و تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال، استفاده از امتیازات و بهره برداری‌های مالی و اشکال گوناگون دیگر می‌باشد. یک ویژگی بارز محیطی که در آن فساد مالی رخ می‌دهد، اختلافی است که بین قوانین رسمی و غیررسمی حکومتی در بخش دولتی پیش می‌آید. از طرف دیگر، وقتی با قوانین ضعیف و ناکارآمد حتی اقدام به اصلاح امور اقتصادی

نیز شود، علاوه بر ناکامی در اصلاح، روند جدیدی که به وجود می‌آید خود، عامل بروز فساد در کشورهای در حال توسعه می‌شود. دستمزدهای پایین در ساختار اداری کشورهای جهان سوم، خود یکی از عوامل بروز و گسترش فساد مالی است. پایین بودن دریافت‌های کارکنان دولت در جهان سوم، وضعیتی را به وجود می‌آورد که در بهترین حالت، کارمندان بخش دولتی را به عنوان سکویی برای پرتاب فعالیت‌های آینده خود در بخش خصوصی تلقی می‌کنند. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد، در کشورهای جهان سوم هرگاه اصلاحاتی در سیستم اداری و نظام حقوق دستمزد صورت گرفته، مقداری از میزان فساد رایج در سطوح پایین ادارات کاسته شده است [۵۵].

#### ۴\_فساد فرهنگی

فساد، انحراف از اخلاق و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی است. فساد فرهنگی با تاکید بر وجود ارتباط میان فرهنگ و ارتکاب یا ترک ارتکاب جرم، به واکاوی و تبیین فرهنگ جرائم و کنترل آن‌ها می‌پردازد [۵۶]. امروزه با درک اهمیت فرهنگ به عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر فساد، افول دیدگاه‌های نظری سنتی و طرح دیدگاه‌های پست مدرن و مهم‌تر از همه تأثیرات رویکرد روبه رشد پژوهش‌های فرهنگی تحولی جدی نظریه پردازی و فهم پدیده فساد و بررسی تجربی آن روی داده است. تأثیر فرهنگ بر هر پدیده و رفتار در جامعه انکارناپذیر بوده و به طور طبیعی رفتار مجرمانه نیز از این قاعده جدا نیست. امروزه توجه به نقش مؤثر و بنیادین فرهنگ در کلیه عرصه‌های زیستی و فکری بشر، چشم انداز جدیدی در حوزه‌های ذهنی و عینی ایجاد کرده است. فرهنگ بستر بازتعریف، بازیابی و تکامل همه توانایی‌ها، ارزش‌ها، هویت‌ها، باورها، هنجارها، سنت‌ها، اسطوره‌ها و نمادهای بشر است. فرهنگ روح همبستگی تداوم حیات معنوی و وجدان عمومی یک ملت قوم و سرزمین است [۵۷]. می‌توان گفت فرهنگ یک الگوی اندیشیدن و عمل کردن است و همه اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، هنرها و آداب جامعه را در بر می‌گیرد و در رفتار و عملکرد هر فرد یا گروهی دیده می‌شود و آنان را از افراد جوامع دیگر متمایز می‌کند. بنیان فرهنگ را تصورات و اندیشه‌هایی می‌داند که مشخص می‌کنند چه چیزی مهم، ارزشمند، مطلوب و پسندیده است. این تصورات انتزاعی یا ارزش‌ها به افراد در تعامل با دنیای اجتماعی معنا می‌دهد و آن را هدایت می‌کند. همچنین هنجارها، قواعدی برای رفتار هستند که ارزش‌های یک فرهنگ را منعکس می‌کنند یا تجسم می‌بخشند. ارزش‌ها و هنجارها در کنار یکدیگر به چگونگی رفتار اعضای یک فرهنگ در محیط اجتماعی شکل می‌دهند. توجه به ویژگی‌های فرهنگی خاص هر جامعه، ریشه کن ساختن خرده فرهنگ فساد و تغییر نظام ارزشی مبتنی بر آن در یک جامعه به عنوان راهکاری کارآمد، مسیر مقابله با فساد را تا حد زیادی هموار خواهد کرد [۵۸].

#### فساد در گستره جهان

حکومت‌ها و دولت‌ها از قرن‌ها پیش با مشکل فساد رو به رو بوده‌اند. متون باستانی نیز اشارات متعددی به این عارضه کرده‌اند که نشان از نگرانی همیشگی حکومت‌ها از سوء استفاده شخصی کارگزاران و صاحب منصبان دولتی از موقعیت و امتیازات شغلی دارد. انواع گوناگونی از فساد که پیش از این ذکر شد جرایم جدیدی نیستند و قدمتی به اندازه خود دولت‌ها دارند. هزینه‌های تحمیلی چنین جرایمی بر دولت و جامعه باعث شده، همگان بر مقابله با پدیده فساد تاکید ورزند [۵۹]. پدیده فساد عارضه‌ای است که کلیه جوامع از شمال تا جنوب و شرق تا غرب عالم را در بر گرفته است. فساد پدیده‌ای عالم گیر است و به گروه خاصی از کشورها محدود نمی‌باشد. هر چند که ممکن است فعالیت فساد آلود در کشوری فعالیت عادی و معمولی تلقی شود و در کشوری دیگر، یک ناهنجاری اجتماعی تلقی شود. هر چه کشوری از کارایی کم‌تری در دستگاه قضایی و قوانین و مقررات برخوردار باشد و قوانین به راحتی در آن کشور نقض و نادیده گرفته شود؛ آن کشور از درجه فساد بیش‌تری برخوردار است. تصویب کنوانسیون ضد فساد سازمان ملل در مجمع عمومی در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ در مقر سازمان ملل بود و ۱۳۳ کشور آن را امضاء کردند [۶۰]. سازمان بین‌المللی شفاف‌سازی هر سال رتبه کشورهای جهان را بر پایه شاخص مفاسد مالی اقتصادی اعلام می‌کند. این گزارش بر پایه ۱۶ کار پژوهشی و با کمک ۱۰ نهاد بین‌المللی تنظیم می‌شود [۶۱]. سازمان بین‌المللی شفاف‌سازی نمره مبارزه با فساد را در کشورها از یک تا ده

مشخص می‌کند که نمره ده نشان دهنده کمترین فساد و نمره یک نشان دهنده بیشترین فساد است. این شاخص که هر سال منتشر می‌شود برپایه معیارهای تعیین شده از سوی سازمان جهانی شفاف سازی و دانشگاه پاسو در آلمان برآورد می‌شود [۶۲]. در این رتبه بندی کشوری که توانسته در طرف عرضه فساد، یعنی در بین کارمندان و عاملان دولتی، کنترل لازم را اعمال کند همچنین قادر بوده در طرف تقاضای فساد نیز که آن را ارباب رجوع یا آن‌ها که به نوعی کارشان گیر است موفقیت‌های را کسب نماید از نمره بالایی برخوردارند. فساد تنها در کشور های رو به توسعه دیده نمی‌شود بلکه در کشورهای بزرگ صنعتی و حتی کشورهای بزرگ سرمایه داری نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی شفاف سازی فساد مالی که ۱۸۰ کشور جهان را مبنای پژوهش قرار داده است شاخص فساد در کشور های عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه نشان می‌دهد دانمارک، فنلاند و نیوزیلند در سنجش با دیگر کشورها دارای فساد کمتری هستند. از سوی دیگر فساد در اسپانیا، پرتغال و ایتالیا بیش از دیگر کشورهاست شاخص فساد در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی نشان می‌دهد قطر، امارت، مالزی و بحرین در سنجش با دیگر کشورهای اسلامی گرفتار فساد کمتری هستند هر چند فساد در آن‌ها از کشور های عضو سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه بیشتر است. ازبکستان، عراق و سومالی دارای بیشترین فساد در میان کشورهای اسلامی و در جهان هستند. شاخص فساد در کشورهای اسلامی نفت خیز نشان می‌دهد پول می‌تواند مایه فساد مالی بیشتر شود البته نباید از تلاش قطر و امارات برای کاستن فساد مالی چشم پوشی کرد. قطر و امارات در سنجش با دیگر کشور ها چه در شاخص و چه در رتبه وضع بهتری دارند. شاخص فساد در دیگر کشورهای جهان نشان می‌دهد یونان و لهستان که نمونه هایی از کشورهای اروپایی غیر صنعتی شده هستند، برزیل و آرژانتین و شیلی کشورهای از قاره آمریکا، مکزیک و روسیه و آنگولا کشورهای نفتی غیر اسلامی، چین و هند پرجمعیت ترین کشورهای جهان. کره جنوبی و سنگاپور و هنگ کنگ و تایوان کشورهای تازه صنعتی شده جنوب خاوری آسیا رده بندی شده اند. می‌توان گفت وضع کشورهای تازه صنعتی شده جنوب خاوری آسیا از دیگر کشورها در زمینه پاکي اقتصاد بهتر است. یونان و لهستان در سنجش با برخی کشورهای اسلامی و پر جمعیت ترین و کشورهای نفتی غیر اسلامی هم در زمینه فساد مالی وضع خوبی ندارند. کشور ایران بر اساس آخرین وضعیت در سال ۲۰۱۹ با گرفتن نمره ۲۶ همزمان با کشورهای آنگوال، بنگالدش، هندوراس، موزامبیک و نیجریه، رتبه ۱۴۶ را از میان ۱۸۰ کشور جهان به خود اختصاص داده؛ این در حالی است که در سال پیش از آن، ایران با داشتن نمره ۲۸، رتبه ۱۳۸ را داشته است که حکایت از ۸ پله نزول رتبه و ۲ نمره کاهش دارد؛ این در شرایطی است که در سال ۲۰۱۷ رتبه ایران ۱۳۰ و نمره آن ۳۰ بوده است. می‌توان این گونه عنوان نمود که سیر فساد بخش عمومی در کشور از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، صعودی بوده یا اینکه روند مقابله و مبارزه با فساد بخش عمومی با تاکید بر اختلاس و رشوه در میان مقامات دولتی در سه سال اخیر روند نزولی داشته است [۶۳]. بر پایه گزارش سازمان بین‌المللی شفاف سازی ایران از دیدگاه فساد گریزی کارگزاران دولتی و سیاسی رتبه ۱۴۶ را به دست آورده شاخص نشان می‌دهد چه در زمینه رده بندی (۴۶ پله) و چه از لحاظ میزان سلامت اقتصادی (۰/۴) پسرفت داشته است. چین را باید در رأس کشورهایی قرار داد که مسئله فساد در آن به صورت گسترده رواج دارد و مجازات نیز در آن جدی است و بعضاً از اعدام برای پیشگیری و جلوگیری از گسترش آن، استفاده می‌کنند [۶۴]. بر اساس برآورد ها، تقریباً ۳۵ درصد شرکت ها در چین اذعان می‌دارند که رشوه یا هدایایی برای پیشبرد کار به مقامات رسمی پرداخته اند و مقامات رسمی در اغلب مناطق ثروتمند و به ویژه پایتخت، دست هایی در کار دارند [۶۵]. علت رشد فساد در موردچین، عدم کنترل و نظارت بر قدرت، کمبود انتخاب های دموکراتیک و ضعف در آزادی بیان است. انگلستان یکی از کشورهای موفق در زمینه مبارزه با فساد است. این کشور براساس رتبه بندی سازمان شفاف سازی بین الملل در سال ۲۰۰۴ با نمره شاخص ۸/۶ رتبه یازدهم را در میان ۱۴۶ کشور داراست. انگلستان توانسته است با تدوین قوانین مناسب مبارزه با فساد، تعیین اصول اخلاقی در زمینه فعالیت های دولتی، استقرار نهادهای مبارزه با فساد در بخش های مختلف، تصویب قوانین مبارزه با پولشویی، الحاق به کنوانسیون منطق های و بین المللی مبارزه با فساد و رشوه و ... گام های مهمی در زمینه کاهش و کنترل فساد بردارد [۶۶]. اقتصاد آمریکا، یکی از بزرگ ترین اقتصادهای دنیا به شمار می‌رود این کشور به لحاظ فساد جایگاه چندانی ندارد؛ یکی

از دلایل این امر را می‌توان مساحت گسترده و سختی کنترل فساد در این کشور عنوان کرد. نکته قابل توجه در قانون این کشور، تدوین قانونی به نام قانون حفاظت از افشاگر در سال ۱۸۶۳ است که به واسطه آن علاوه بر اینکه افشاگر در پناه قانون قرار دارد دولت آمریکا موظف است در صدی از جریمه‌ای را که از فرد فاسد می‌گیرد به افشاگر بپردازد؛ به واسطه این قانون چنانچه شخصی آگاهانه ادعای دروغی نماید و اطلاعات نادرستی را در اختیار دولت قرار دهد، آن شخص مسئول دو برابر خسارت دولت به علاوه مجازات ۲۰۰۰ دلار برای هر ادعای کذب است. به منظور افزایش آگاهی مردم نسبت به عملکرد مسئولان، پیرامون مبارزه با فساد و همچنین افزایش آگاهی مسئولان عالی رتبه کشورها از میزان پیشرفت دستگاه‌های مختلف در مبارزه با فساد و در نهایت جهت ایجاد تصویر روشن و همه جانبه از میزان فساد در کشور، تعیین شاخص‌هایی که نمایانگر وضعیت کشورها در این رابطه باشد، امری ضروری و منطقی است [۶۷]. فساد پدیده‌ای زیانبار و بازدارنده توسعه است که باید سخت با آن برخورد شود. با وجود همه شعارهای که تا کنون درباره رویارویی با فساد سر داده شده دگرگونی چشمگیری در این زمینه رخ نداده است. فساد از موانع عمده صلح و ثبات، توسعه پایدار، دموکراسی و حقوق بشر در سراسر جهان است. گسترش فساد، ثبات و امنیت جوامع را به خطر می‌اندازد، ارزش‌های اخلاقی و دموکراسی را سست و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تهدید می‌کند. اکنون جهانیان می‌دانند که لازمه برقراری دولت کارآمد، اثربخش و عادل مبارزه با فساد است [۶۸].

### روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل محتوای کیفی، به مرور منابع مرتبط با تبیین فساد اقتصادی و سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، پرداخته است. داده‌های پژوهش از طریق مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، توصیف و تحلیل آن گردآوری شده و در راستای ارائه راهکارهای اجرایی، بررسی و دسته‌بندی شده است. این پژوهش به لحاظ نحوه به کارگیری نتایج، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد.

### نتیجه گیری

فساد پدیده‌ای جهانی است که تا اندازه زیادی در سایه دگرگونی‌های سیاسی و اقتصادی ابعاد تازه یافته. فساد در کشورهای رو به توسعه و توسعه نیافته تنها یک مشکل اداری نیست بلکه یک بیماری مزمن از ویژگی‌های دولت‌ها به شمار می‌آید در واقع فساد را باید نوعی عارضه از ضعف بنیادین دولت به شمار آورد، نه عامل پایه‌ای یا تنها عامل تعیین کننده بیماری‌های جامعه. در دنیای امروزی، دامنه فعالیت اقتصادی چنان پیچیده و گسترده شده که نظارت بر آن بدون مشارکت بازیگران جامعه مدنی و غیردولتی امکانپذیر نیست. در رخداد فساد اغلب دو طرف، یک طرف شهروند یا شرکت خصوصی به عنوان متقاضی فساد و طرف دیگر یک کارگزار دولتی به عنوان عامل فساد مشارکت دارند. رفتارهای فاسد شامل پرداخت‌هایی است که به مسئولان صورت می‌گیرد تا برخی رفتارهای خاص مورد نظر به منظور فرار از قانون یا تسهیل امور و فعالیت‌های غیرقانونی انجام پذیرد از طرف دیگر، دولت یا دولت مردان برای سوءاستفاده و با هدف منافع در امور دخالت کنند، مانند ایجاد انحصارات دولتی برای منافع شخصی که خود به خود بر میزان مشکلات و کاستی‌ها افزوده می‌شود. وجود فساد حتی به میزان اندک، شکاف میان مسئولان و افشار مختلف مردمی یا به عبارتی تضعیف سرمایه اجتماعی را موجب می‌شود و به استناد بسیاری کارشناسان، تهدیدی اساسی برای موجودیت کشور به شمار می‌آید؛ از سوی دیگر نرخ شاخص فساد، یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز در شکل‌گیری نگرش کلی جهانیان از فضای کشور است؛ این در حالی است که نبود شفافیت و قوانین صریح در کنار رویکردهای بروکراتیک و جهت دار برخی مدیران ارشد، و نیز برخورداری برخی افراد از رانت‌های اطلاعاتی و اقتصادی به عنوان علل گسترش فساد در کشور مطرح بوده‌اند. در صورتی که دولت نتواند نقش نظارتی خود را در اقتصاد ایفا کند، بی تردید بخشی از فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. نتیجه‌ای که با توجه به تخمین عوامل وجود فساد در کشورها به دست آمد؛ نشان دهنده آن است که بیشترین عوامل واسطه‌ای اثرگذاری فساد بر رشد اقتصادی برای کشورها از طریق عوامل واسطه‌ای سرمایه‌گذاری و ثبات سیاسی و هزینه‌های دولت هست، لذا به منظور جلوگیری از اثرات

نامطلوب فساد، علاوه بر کنترل خود فساد، در صورتی که بتوان تمرکز ویژه‌ای بر مقوله سرمایه‌گذاری، کنترل هزینه‌های دولت و ثبات سیاسی به منظور ممانعت از ورود فساد به این حوزه‌ها نمود، امکان کم کردن اثر فساد بر رشد اقتصادی وجود دارد. فساد در هر بخش می‌تواند یک عامل منفی به شمار آید که شرایط بهینه را از بین می‌برد و نیروی انسانی را با سرخوردگی و ضعف روبرو می‌نماید. در هر جامعه‌ای که فساد رسوخ کرده باشد، امید به توسعه و پیشرفت از بین خواهد برد. با افزایش روزافزون فساد در سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات در کشورهای مختلف جهان، بررسی عوامل مربوط به این موضوع و راه حل‌ها و روش‌های مبارزه با آن امری ضروری به نظر می‌رسد. مبارزه با فساد فراتر از صرف تقویت قانون است و لازمه آن وجود یک عزم سیاسی قوی همراه با ساز و کارهای اجرایی مناسب است تا تلاش‌های قانونی به اندازه کافی موثر واقع شوند. بر همین اساس ضمن تأکید بیشتر بر اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه به جای مجازات متخلفین به منظور ممانعت از فساد بیشتر، اتخاذ راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱- ایجاد بستر سازی مناسب برای کاهش تصدی‌گری دولت در بخش اقتصاد.

۲- ارتقاء شفافیت در انجام امور و فعالیت‌ها.

۳- ایجاد سیستم ارزیابی عملکرد کنترل و نظارت بر دستگاه‌ها و کارکنان.

۴- افزایش دسترسی عمومی به اطلاعات به منظور جلوگیری از بروز رانت.

۵- افزایش تلاش دولت در مبارزه با فساد به منظور افزایش منابع درآمدی است.

۶- ایجاد زمینه اشتغال و کاهش بیکاری، توزیع عادلانه فرصت‌ها.

۷- فراهم کردن حداقل امکانات زندگی برای همه مردم.

پاسخگویی سیاسی موجبات ایجاد حکومت خوب و نهایتاً کاهش فساد سیاسی را به همراه خواهد داشت. هرچند به مرور زمان در بلند مدت، از میزان تغییرات کاسته می‌شود، با این حال اهمیت توجه به کاهش فساد آشکار می‌گردد چرا که فساد خود منجر به تقویت خود می‌گردد. بنابراین پیشنهاد می‌شود موضوع کنترل فساد مورد توجه جدی حکمرانان و مسئولین کشورها قرار گیرد و تدابیر لازم در جهت بهبود شاخص‌های حکمرانی و توسعه انسانی اخذ گردد.

## منابع

- [۱] عظیمی، حسین؛ عطا، علی و شائمی‌پرزکی، علی (۱۳۹۵). بررسی عوامل مدیریتی و سازمانی مؤثر بر فساد اداری - مالی در سازمان‌های دولتی مراکز استان‌های اصفهان و زنجان اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۲، صفحه ۱۲۹-۱۴۷.
- [۲] محسنی، فرید (۱۳۹۲). پیشگیری از فساد اداری با تأکید بر فناوری اطلاعات، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۱، صفحه ۱۳۹-۱۷۴.
- [۳] حبیبی، نادر (۱۳۷۵). فساد اداری (عوامل مؤثر و روش‌های مبارزه)، موسسه انتشاراتی فرهنگی و ثقی، صفحه ۱۵۸-۱۶۰.
- [۴] Transparency International (۲۰۱۳) "Global Corruption Barometr ۲۰۱۸ (the global coalition Against corruption)" from <http://www.transparency.org/news/pressrelease/>.
- [۵] Smith, M. L (۲۰۱۵). "Perceived Corruption, Distributive Justice, and the legitimacy of the System of Social Stratification in the Czech republic" Communist and post-Communist Studies, ۴۳ (۴): ۴۳۹-۴۵۱.
- [۶] دهقان، محسن، رحمانی فیروزه‌جاه، علی و عباسی اسفجیر، علی اصغر (۱۳۹۰). رابطه ادراک فساد و اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان شهرستان آمل، ساری، چالوس)، مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، زمستان ۹۸، صفحه ۱۳۱.
- [۷] Song, X. And W. Cheng (۲۰۱۶) "Perception of Corruption in ۳۶ Major Chinese Cities: Based On Survey of ۱,۶۴۲ Experts", Social Indicators Research, ۱۰۹ (۲): ۲۱۱-۲۲۱.
- [۸] دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۳). لغت‌نامه دهخدا، تهران، چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، جلد ۱۱، صفحه ۱۷.

[۹] المعانی، فرهنگ لغت (۲۰۱۴)

<https://www.almaany.com/fa/dict/ar-fa/%D9%85%D9%81%D8%B3%D8%AF/>

[۱۰] دادگر، حسن (۱۳۸۲). رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱.

[۱۱] قانون ارتقاء و سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، ۲/۳۹ / ۱۳۹۰.



- [۱۲] AnwarShah, S. M. (۲۰۰۴), Combating Corruption: Look Before You Leap, A lack of progress in eradicating corruption could be Due to misguided strategies , World Bank, finance and Development department.
- [۱۳] هنری استوارت، هیوز (۱۳۸۶). آگاهی و جامعه، ترجمه عزت الله فولادوند، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، صفحه ۲۸۷.
- [۱۴] ازکیا، مصطفی و غفاری، غلام رضا (۱۳۹۷). جامعه شناسی توسعه، تهران: نشر کیهان، صفحه ۴۱.
- [۱۵] لطفیان، سعیده (۱۳۸۵). پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی - سیاسی در کشورهای در حال توسعه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۱.
- [۱۶] Azfar and Others (۲۰۱۰). The Cause” and Conse-Quences of Corruption. AAPSS. N.۵۷۳.
- [۱۷] Michael Johnston (۱۹۹۵). “Corruption Markets and Refor the search for definitions: the vitality of politics and the issue of ,] P.P.۳۲۱-۳۵۰.
- [۱۸] Elaine R. Johansen (۱۹۹۰). “political Carruption. P.P.۴-۶.
- [۱۹] Barry Rundquist and Susan Hansen (۱۹۷۶). “ on controlling official Corruption” P.P.۴-۶.
- [۲۰] Giovanni sartori (۱۹۷۰). “ Concept misinformation in comparative politics”.۲۰.
- [۲۱] فروند، ژولین (۱۳۸۳). جامعه شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، نشر توتیا، صفحه ۲۰۵.
- [۲۲] ربیعی، علی (۱۳۸۳). زنده باد فساد، نشر تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، صفحه ۱۶.
- [۲۳] دادگر، حسن و معصومی نیا، غلام علی (۱۳۸۷). فساد مالی، تهران، کانون اندیشه جوان، صفحه ۸۹ و ۹۰.
- [۲۴] صباحی، احمد و سعید، ملک الساداتی (۱۳۸۸). اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی، فصلنامه بازرگانی، شماره ۵.
- [۲۵] کردلو، محمد رضا (۱۳۸۴). فساد مالی، دانش حسابرسی، شماره ۱۵.
- [۲۶] M.Buchanan (۱۹۸۰). “Rent Seeking and profit seeking “ in J.M. Buchanan, R. D. Tollison and G. Tullock.
- [۲۷] O.E.G Johnson (۱۹۷۵). “an Economi Analysis of Corrupt Government with special Application to LCD’s kykols.
- [۲۸] ربیعی، علی (۱۳۸۳). زنده باد فساد، نشر تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، صفحه ۱۷.
- [۲۹] کاتم، ریچارد (۱۳۹۹). ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر کویر، صفحه ۷۱.
- [۳۰] مصلی نژاد، غلام عباس (۱۳۸۴). آسیب شناسی توسعه اقتصادی در ایران تهران: نشر قومس، صفحه ۳۲۶.
- [۳۱] محمودی، وحید (۱۳۸۲). فساد اقتصادی و توسعه، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۸۹ و ۱۹۰.
- [۳۲] ادیب پور، مهدی و محمدی، آزاده (۱۳۹۵). اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، صفحه ۱۶۸-۱۵۳.
- [۳۳] ربیعی، علی (۱۳۸۳). زنده باد فساد، نشر تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، صفحه ۱۱.
- [۳۴] صادقی، حسین؛ عساری، عباس و شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۹). اندازه گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی - رویکرد اقتصادی، شماره ۳۹.
- [۳۵] صامتی، مرتضی، شهبازی، روح الله و دهقان شبانی، زهرا (۱۳۸۵). بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۲۸.
- [۳۶] مومنی، فرشاد، حاجی نوروزی، شیما (۱۳۹۶). فساد سیاسی خصوصی سازی همراه با فساد، نشریه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶۷.
- [۳۷] دادخدایی، لیلا (۱۳۸۹). مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن مجله تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۶.
- [۳۸] شالوند، عبدالعلی (۱۳۷۷). تأملی ریشه نگر در موج جهانی مبارزه با فساد و اختلاس: اختلاس و فساد اداری آفت توسعه، مجلس و پژوهش شماره ۲۵.
- [۳۹] فرج پور، مجید (۱۳۸۳). فقر، فساد و تبعیض: موانع توسعه در ایران، تهران: خدمات فرهنگی رسا، صفحه ۴۶۸.
- [۴۰] حسن پور، حمیدرضا و رضوی، بهزاد (۱۳۹۷). اهمیت پیشگیری از فساد اداری و تأثیر آن بر سلامت اجتماعی، فصلنامه آموزش و سلامت جامعه، شماره ۲، صفحه ۷۲-۸۱.
- [۴۱] خداپرست، مهدی و کردی، عبدالرحیم (۱۳۹۷). تأثیر ترکیبات مختلف فساد بر جذب سرمایه در کشورهای هم تراز سطح توسعه ایران، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی، صفحه ۱۵۵-۱۷۵، شماره ۲۵.

- [۴۲] صادقی، حسین؛ عساری، عباس و شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۹). اندازه گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی - رویکرد اقتصادی، شماره ۳۹.
- [۴۳] راغفر، حسین (۱۳۸۷). اقتصاد سیاسی فساد، مجلس و پژوهش، شماره ۵۸.
- [۴۴] پارسونز، تالکوت و وبر، ماکس (۱۳۷۹). عقلانیت و آزادی: ساخت منطقی جامعه شناسی دینی ماکس وبر، ترجمه یدالله موقن، تهران، هرمس، صفحه ۱۰۲.
- [۴۵] فرج پور، مجید (۱۳۸۳). فقر، فساد و تبعیض: موانع توسعه در ایران، تهران: خدمات فرهنگی رسا، صفحه ۴۶۹.
- [۴۶] پارسونز، تالکوت و وبر، ماکس (۱۳۷۹). عقلانیت و آزادی: ساخت منطقی جامعه شناسی دینی ماکس وبر، ترجمه یدالله موقن، تهران، هرمس، ۱۲۴.
- [۴۷] زمانی، علی اکبر (۱۳۸۸). درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی، نشریه کارآگاه، سال دوم، شماره ۷.
- [۴۸] ترنر، مارک و هیوم، دیوید (۱۳۸۴). حکومت داری مدیریت و توسعه: چگونه دولت کارآمد داشته باشیم، ترجمه عباس منوریان، نشر موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، صفحه ۱۲۸.
- [۴۹] سرفرازی، مهرزاد؛ فروزی، مریم و زارع، شکوفه (۱۳۹۹). رویکردهای پیشگیری از فساد اداری؛ ضرورتی اساسی در استقرار یک دولت سالم، دوره سوم، شماره ۳۲.
- [۵۰] پل هیوود، هرست (۱۳۹۷). فساد سیاسی ترجمه محمد طاهری، میر قاسم بنی هاشمی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صفحه ۴۷۸.
- [۵۱] ربیعی، علی (۱۳۸۳). زنده باد فساد، نشر تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، صفحه ۲۱.
- [۵۲] افضل، عبدالرحمن (۱۳۹۰). فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه، علل پیامدها و راهکارهای برون رفت، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال بیست و هشتم، شماره ۴۵.
- [۵۳] عباس زادگان، محمد (۱۳۸۳). فساد اداری، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، صفحه ۱۳.
- [۵۴] رهبر، فرهاد؛ میرزاوند، فضل الله و زال پور، غلامرضا (۱۳۸۱). بازشناسی عارضه فساد مالی، جلد اول، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران دانشکده اقتصاد، صفحه ۳۲۸.
- [۵۵] دادگر، حسن و معصومی نیا، غلام علی (۱۳۸۷). فساد مالی، تهران، کانون اندیشه جوان، صفحه ۸۹ و ۹۰.
- [۵۶] شیر، عباس؛ جعفر پور صادق، الهام (۱۳۹۷). تأثیر فرهنگ در فساد اداری با تأکید بر جرم ارتشاء، فصلنامه رهیافت پیشگیری ۱.
- [۵۷] صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۲). مفاهیم و نظریه های فرهنگی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات ققنوس، صفحه ۶۸.
- [۵۸] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه شناسی، مترجم حسن چاوشیان، تهران: انتشارات نی، صفحه ۶۰۶.
- [۵۹] مجلس و پژوهش (۱۳۷۷). دفتر بررسی های اقتصادی مجلس شورای اسلامی: بازشناسی مولفه های موثری بر اختلاس در ایران، شماره ۲۵.
- [۶۰] لطفیان، سعیده (۱۳۸۵). پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی - سیاسی در کشورهای در حال توسعه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۱.
- [۶۱] دارایی، غلام عباس (۱۳۸۳). خلاصه ای از طرح مطالعاتی تدوین برنامه و تنظیم ساز و کار های اجرایی امر مبارزه با ارتشاء در نظام اداری کشور، ناشر سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات، صفحه ۷.
- [۶۲] Graf J. Lambsdorff (۲۰۰۵). Determining Trends for Percived Levels of Corruption, Passau University Discussion Paper
- [۶۳] مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، (فروردین ۱۳۹۸) مبارزه با فساد و ایجاد شفافیت اداری در جمهوری گرجستان: انتقال تجربیات به جمهوری اسلامی ایران.
- [۶۴] محسنی، رضا علی (۱۳۸۹). بازشناسی و تحلیل فساد (مالی، اداری و اقتصادی). گرگان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان.
- [۶۵] Charney, Craig and Qazi, Shehzad (۲۰۱۵). Cor- ruption in C"ina: what Companies need to know. Research, white'paper. No.۱. In: www.charney Research.com.
- [۶۶] Stansbury, Neill & Stansbury Catherine, "Anti -Corruption Code for Individuals in the Construction and Engineering Industry" ۶۶ (England and Wales), July ۲۰۰۵, p.p۷-۱۰.
- [۶۷] همدی خطبه سرا، ابوالفضل (۱۳۸۷). فساد مالی: علل، زمینه ها و راهبرد های مبارزه با آن، پژوهشکده مطالعات راهبردی، صفحه ۳۴.

[۶۸] راغفر، حسین (۱۳۸۱). دولت، فساد و فرصت های اجتماعی: تعامل اندیشه ها در اقتصاد سیاسی توسعه، چاپ اول، نشر نقش و نگار، صفحه

۲۷.